

## انسان گرایی مادی یا دین جدید؟!

این جریان آگاه باشند .  
از آنجا که واژه‌های «الحاد» ،  
«ماتریالیسم» ، «مادی گرایی» بار منفی  
دارد، این بار می‌خواهند از مفاهیم زیبا که  
جنبه انسان دوستی دارد، استفاده کنند و با  
ایدئوژی‌های جوان پسند، و دلریا، افکار  
را متوجه خود کنند و در عین حالی که  
درصد نفی دین و دینداران هستند، خود  
دین جدیدی را پی‌ریزی کرده و معادل آن  
چه را که دینداران دارند، در مکتب خود،  
بیاورند، تا از این طریق، هر نوع خلأ  
فکری را در ذهن جوانان پر کنند. و این  
یکی از شگفتی‌های این مسلک نوظهور  
است که در عین حملات شدید بر دین و  
مفاهیم دینی، و انکار مقدسات، ناخود

در شماره دوم سال ۱۳۸۵، مسلسل  
۵۸، مقاله‌ای پیرامون چپ ستی و چپ نو  
و تفاوت‌های آن دو را مطرح کردیم و یادآور  
شدیم که فروپاشی شوروی سابق به معنای  
پایان عمر ماتریالیسم نیست، بلکه بار  
دیگر مادی‌گری به صورتی نو، چهره نشان  
داده و با ادبیات جدید گام به اجتماع نهاده  
است. در آن مقاله مشروحاً این مسأله و  
ابزار و ادوات تبلیغی را متذکر شدیم.

در شماره سوم سال ۱۳۸۶،  
مسلسل ۶۳، بار دیگر به این موضوع  
بازگشتیم و تحت عنوان الحاد ستیزه‌جو،  
ویژگی‌های ماتریالیسم جدید را یادآور  
شدیم. اکنون در این زمینه به صورتی دیگر  
سخن می‌گوییم تا رهبران دینی نسبت به

به معنای تسلیم در برابر خداست، ولی ماتریالیسم جدید، از واژه‌هایی مانند «انسان‌گرایی» یا «اومانیزم» و نیز طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم) بهره می‌گیرد.

شرایع آسمانی، یک رشته باورها را مطرح می‌کنند و به دنبال آن باید‌ها و نباید‌هایی را می‌آورند. از بخش نخست به نام «عقیده» و از بخش دیگر به نام احکام عملی «شریعت» یسار می‌شود. ولی ماتریالیسم جدید یک رشته معادل‌هایی در برابر باورهای دینداران قرار داده و به گونه‌ای جزمی و بی‌بازگشت از آنها دفاع می‌کند. اینک به عقاید هر دو طرف دربارهٔ موضوعات مختلف به صورت تطبیقی (طی یک جدول) توجه کنیم:

### انسان‌شناسی

آگاه، مقدسات جدیدی را پدید آورده و آنها را جایگزین مقدسات دینی ساخته است.

این خود، حاکی از آن است که دینداری و دین‌خواهی از امور فطری است و چون خود را از دین واقعی تخلیه کرده یا می‌خواهد تخلیه کند، ناچار می‌شود این خلأ را با دین دیگری پر کند. اینک ما مقدساتی را که این مکتب انکار کرده و معادل‌هایی که در برابر آن قرار داده، منعکس می‌کنیم:

### نامگذاری

شرایع آسمانی از واژه‌هایی برای نامگذاری خود استفاده کرده‌اند، مانند آیین خداخواهی و خداجویی، یا «اسلام» که

انسان از نظر ماتریالیست‌ها	انسان از نظر دینداران
انسان محصول تکامل طبیعت است	انسان مخلوق خداست
شخصیت انسان بازتاب طبیعت و میراث اجتماعی است	شخصیت انسان در پرتو هدایت‌های فطری و غیر فطری شکل می‌گیرد
روح مجردی در کار نیست	انسان، ورای بدن، روح مجردی دارد
برای وجود انسان در جهان هدفی در کار نیست	انسان برای هدفی آفریده شده است
مرگ پایان زندگانی است	مرگ دروازهٔ ابدیت و انتقال به جهان دیگر است

هرکدام برای خود درجه خاصی دارند، مانند پیامبر، امام، مرجع و مفتی و مبلغ و ... در ماتریالیسم نو، نیز سلسله مراتبی از مریبان اجتماعی و آموزگاران عقیدتی وجود دارد.

۴. دینداران، برای خود معبد و پرستشگاهی به نام مسجد و کلیسا و کنیسه دارند که در آنها به پرستش خدا می‌پردازند، ماتریالیست‌های جدید نیز برای خود مدرسه و کالج و دانشگاه را مکان مقدس می‌شمارند.

۵. اگر دینداران، کفر را تحمل نمی‌کنند، و صد در صد با آن مخالفند، ماتریالیست‌های جدید نیز دین و خداگرایی را بر نمی‌تابند.

### بایدها و نبایدها

همان طوری که در میان دینداران، حلال و حرام و به اصطلاح باید و نبایدهایی هست، در میان ماتریالیست‌های جدید نیز، نظیر آن وجود دارد که در جدول زیر بیان می‌شود، و چون حلال و حرام در نزد دینداران روشن است

تا این جا تفاوت عقاید دو گروه درباره انسان روشن شد و ما نظریه هر دو گروه را بدون اشاره به دلایل آنها مطرح کردیم.

### آیا ماتریالیسم جدید یک دین است؟

همان طور که یادآور شدیم این گروه در عین هجوم به دین و دینداران، خود، دین جدیدی را پدید آورده‌اند، که اکنون به عناصر و ارکان آن اشاره می‌کنیم:

۱. دینداران، بالأخص پیروان شرایع آسمانی، برای خود کتاب مقدسی دارند که کاملترین آنها قرآن کریم است و اکنون باید به آخرین کتاب آسمانی یعنی قرآن عمل کرد، ماتریالیست‌های نوین نیز برای خود «مانیفست اول و دوم» دارند.

۲. دینداران خدا را می‌پرستند و آنچه مربوط به خداست، آن را مقدس می‌شمارند، در حالی که اینان، فقط «انسان» را محترم می‌شمارند و حتی می‌توان گفت می‌پرستند.

۳. در شرایع آسمانی، رهبران الهی مقامات مختلفی دارند، در حالی که همگی مستند به خدا می‌باشند، ولی

در جدول زیر فقط به بایدها و نبایدهای ماتریالیست‌ها می‌پردازیم:

نبایدها	بایدها
سخن گفتن از خالق جهان	ترویج الحاد و بی‌دینی
سخن گفتن از نظریه خلقت به عنوان يك فرضیه علمی	ترویج نظریه تکامل طبیعی
سخن گفتن از اخلاق مطلق	ترویج اخلاق نسبی و منطقه‌ای
محدودیت‌های جنسی دینی	ترویج آزادی جنسی
انتقاد از برخی رفتارها به نام انحراف جنسی	پاسخ دادن به همه تمایلات جنسی
سخن گفتن از بهشت و دوزخ و پاداش و کیفر اخروی	نفی زندگی پس از مرگ
هرگونه سخن گفتن از مسائل معنوی و مذهبی و اخلاقی	تدریس این عقاید از ابتدایی تا دانشگاه

اصل نخست: جهان، موجودی قدیم است، و مخلوق کسی نیست، جهان از قدیم بوده و خواهد بود.

اصل دوم: انسان بر اثر عوامل طبیعی از نقطه ضعف به این نقطه کمال رسیده است و عواملی خارج از وجود او و طبیعت در تکامل او نقش دارند.

اصل سوم: انسان موجودی کاملاً طبیعی و مادی است و هرگز چیزی به نام

### تناقض در نفی بنیادگرایی

ماتریالیسم جدید هر نوع بنیادگرایی را نفی می‌کند و می‌گوید: صحیح نیست اصولی را به صورت مطلق بپذیریم و آن را در ابعاد مختلف زندگی از سیاست و اقتصاد و تعلیم و تربیت پیاده کنیم، ولی در عین حال، خود پیروان این مکتب، يك رشته اصول را به طور مطلق به شرح یاد شده در زیر، حاکم بر زندگی می‌دانند.

بهشت و جهنم، انسان را از تلاش علمی بازمی‌دارد.

اصل نهم: انسان به تنهایی مسئول است تا در سایه تلاشهای خود به آرمانهایش برسد و خدا در این زمینه نقشی ندارد.

### نتایج عملی اصول یاد شده

اعتقاد به آن اصول نتایج وخیمی دارد و هرگز نمی‌توان به فردی که به این اصول معتقد است در زندگی اجتماعی، کوچک‌ترین اعتمادی نمود، زیرا طبق این اصول، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. جهان و بشر خود به خود، بدون دخالت کسی راه تکامل را طی می‌کنند. (طبعاً چنین فردی مسئولیت هیچ کاری را نباید بپذیرد).

۲. خدایی وجود ندارد.

۳. کتب مقدس همه افسانه هستند.

۴. نسبت به تمام ادیان و مذاهب باید بدبین بود.

روح و روان درباره انسان، مطرح نیست.

اصل چهارم: «دین»، پدیده‌ای اجتماعی است و بشر در طول تکامل وجود خود، اندیشه دینی را پرورش داده و بدین پایه رسانده است.

اصل پنجم: در تحلیل «شُرور» و بدیها و ناهنجاریها نباید همه خیر و هنجار را به خدا، و ناهنجاری‌ها و کاستی‌ها را به بشر نسبت داد.<sup>(۱)</sup>

اصل ششم: غایت از وجود انسان در همین دنیاست و غایت و هدفی خارج از این جهان، وجود ندارد، و هر نوع غایتی و پایانی خارج از این جهان به نام بهشت و دوزخ متفی است.

اصل هفتم: پرستش موجودی به نام خدا و نیایش بردن به سوی او ممنوع است و انسان باید وقت و تلاش خود را مصروف رسیدن به زندگی بهتر و رفاه کاملتر کند.

اصل هشتم: علم‌گرایی و اصالت بخشیدن به علم یکی از اصول است و موجب پیشرفت می‌شود، ولی اعتقاد به

۱. البته در بیان این اصل کمال مسامحه وجود دارد. گروهی که خدا را قبول ندارند، چگونه این اصل را مطرح می‌کنند که نمی‌توان همه خیرها را به خدا و شرور را به انسان نسب

۵. بخور و بیاشام و لذت جنسی  
ببر، زیرا فردا خواهی مرد!
۶. هر کاری را که خوب می‌دانی  
انجام بده.
۷. انسان فقط در برابر خودش  
مسئول است.
۸. هیچ حق مطلق و باطل مطلق  
وجود ندارد.
۹. معیار نیک و بد در دست خود  
انسان است.
۱۰. در مسائل اخلاقی نباید مرجعی  
را به عنوان اصل مطلق بپذیریم.
۱۱. ترویج آزادی جنسی به طور  
مطلق، و آسانی طلاق.
۱۲. آزادی خودکشی، سقط جنین و  
کشتن بیمار مرگ مغزی.
۱۳. اخلاق نسبی و مصلحتی و  
مقطعی: «اگر به دروغ نیاز داری، کار  
خوبی است».
۱۴. کودکان، فاقد هرگونه ارزش  
انسانی بار می‌آیند (لازم نیست نظام تربیتی  
و اخلاقی خاصی به کودکان آموزش داده  
شود).
۱۵. افزایش طلاق در جامعه،  
پذیرفته است.
۱۶. مادگرایی اخلاقی و دعوت به  
افزایش ثروت.
- این اصول و عقاید درباره انسان و  
جهان و جامعه و مسائل مربوط به باید‌ها  
و نبایدها و اخلاق جامعه چیزی است که  
در مانیفست اول و دوم آنها آمده است. (۱)
- \*\*\*
- بحث درباره اصول فلسفی و  
اجتماعی و اخلاقی آنان، در این مجله  
کراراً انجام گرفته و فعلاً درباره آن اصول  
دور از منطق و برهان سخن نمی‌گوییم.  
خوشبختانه الهیون در تمام این مقاطع، داد  
سخن داده، و مسائل ماورای طبیعت و  
خلقت انسان و وجود سرای دیگر را کاملاً  
تشریح کرده‌اند. چیزی که در این مقاله برا  
ی ما مد نظر است، هشدار به جوانان و  
شخصیت‌هایی است که در جامعه مصدر

۱. برای اطلاع بیشتر از متون مانیفست‌ها و بندهای آنها به سایت زیر مراجعه کنید:

کارند و آن اینکه :

حفظ امنیت کشور می توان به آنها اعتماد

هرگاه افرادی با اعتقاد به این اصول

کرد؟

شگفت اینجاست که پایه گذاران این

پرورش یابند، که نه به پاداش و کیفر

اصول به قدری دور از منطق و برهانند که

اخروی معتقد باشند و نه به ماورای طبیعت

در عین نفی آیین و کیش، خود آیین و

باور داشته باشند و محور رفتار آنها سود

کیش جدیدی را برای مردم می آورند و در

ماڈی و مسائل جنسی و لذت های فردی

عین نفی اصول مطلقه فراگیر، يك مشت

باشد و گزینش آنها بر اساس منافع مادی

اصول مطلقه را مطرح کرده و اجازه

زودگذر صورت گیرد، آیا می توان به چنین

نمی دهند کسی از آن اصول انتقاد کند یا

افرادی اعتماد کرد و در جامعه نقش مؤثری

عدول نماید. و به حق باید گفت:

به آنها داد؟ آیا می توان آموزش و پرورش را

الحمد لله الذی جعل أعدائنا من

در اختیار آنها نهاد؟ آیا می توان اختیار

الحمقاء!

رسانه های گروهی را به آنها سپرد؟ آیا در

### پاپ و تغییر متن لاتین مراسم عشاء ربانی

در متن دعایی که در روز جمعة الصلیب یعنی ۲۱ مارس (اول فروردین) خوانده می شود، به کوری یهودیان نسبت به مسیح اشاره می کند و درخواست می کند که همه آنها مسیحی شوند. در این روز ۱/۱ میلیارد کاتولیک جهان در نیایش های خود از خداوند می خواهند حجاب را از قلب یهودیان کنار بزنند تا آنها نیز مسیح را دریابند.

پاپ، دستور داده است که این قسمت از نیایش از متن لاتینی آن حذف شود. (۱)

متن دعایی که قرن ها در عشاء ربانی خوانده می شد، چگونه يك فرد می خواهد آن را دگرگون سازد، آیا فردا همین پاپ می تواند در دیگر عقاید مسیحیان تصرف کند و مثلاً تثلیث را از مسیحیت حذف کند؟ اصولاً آیینی که بر اساس منطق و دلیل عقل استوار نباشد، هر روز دستخوش چنین تغییراتی خواهد شد، و لذا پاپ پشین، ژان پل دوم نیز، اعلام کرد که از این به بعد درباره به صلیب کشیده شدن مسیح توسط یهودیان سخنی گفته نشود. مسلماً این نوع تلاش ها برای جلب رضایت صهیونیست هاست و تحت فشار لابی صهیونیسم بین الملل انجام می گیرد. آیا مسائل سیاسی تا این حد روی عقاید يك دین اثر می گذارد؟